



## آرزو

پهون شرگوشه هال  
سفره فصل بهار  
بر سر سفره نشست  
قالب عکس سردار

هر کسی با آن عکس  
گفت و گویی می‌کرد  
لحظه آخر سال  
آرزویی می‌کرد

مادرم گفت که کاش  
«حق نگهدار» شوی  
آرزویم این است  
مثل سردار شوی

سمیه بابایی

## سردار آفتابی

روی نقشه تا  
خط به خط پیچه را  
می‌دهی نشان؛  
با نگله آفتابی ات  
ابرهای تیره از تمام مرزها  
ناپدید می‌شوند...

چادرها و رودها،  
تپه‌ها و کوه‌ها  
با تو هم قدم  
به شوق خنده‌های کورگان، شوید  
می‌شوند!

با تو تانگ و مین و موشک و خشنگ  
مفترم شدند؛  
پهون مراجع هر م شدند!

ریحانه نوری

## توصدای روشنی

مثل فور شیری و ماه  
آشنای روشنی  
باز در گوش در رفت  
توصدای روشنی

شانه‌های استوار  
حرف‌های سارده بود  
رو به سوی آسمان  
راه تو آماده بود

نام فوبیت مانده است  
پر زبان اهل عشق  
از نیمف تا کبرلا  
روی دیوار دمشق

چاره کار جهان  
توی دستان تو بود  
شادی گل بوته‌ها  
سهم باران تو بود

رفته‌ای اما هنوز  
باغ در فکر توست  
پر زبان غنچه‌ها  
باز هم ذکر توست

مهدی طراوتی توانا

## همیشه سبز

ناگهان صد اشری  
بین این همه سکوت  
عاقبت دعای تو چوانه زد  
از میان شافه‌های در قنوت

تاز یانه‌های بار  
گرچه قامت تو را شکسته‌اند  
باز هم پر نده‌ها  
دل به آشیان مهر بانی تو بسته‌اند

شافه‌های روشنت  
سوی آسمان عشق پر کشیده‌اند  
تا فدا سیره‌اند

ای همیشه سبز سبزا  
سایه‌ات بلند  
سر و سر بلند!

سیده حدیثه هاشمی

## سردار دل‌ها

یا علی گفتی و رفتی  
در مسیر مهر بانی  
کوه صبر و استقامت  
شیر مرد آسمانی

دشمن از نامت هر اسان  
شعله دل‌ها فروشان  
چاودانی، زنده هستی  
ای همیشه مرد میدان

تنگ بر فواری دشمن  
تنگ بر مشق سیاهش  
گور خود را کنده این بار  
با فطوط اشتباهش

شادمان از پیرن تو  
از تو ای سردار دل‌ها  
کور فوانده، کور فوانده  
مرگ خود را کرده امضا

رفته‌ای و می‌فروشد  
لشکری از فون پاکت  
بر جهان می‌تابد آرام  
آختاب تابناکت

طاهره اکرمی